

بررسی عوامل فردی و خانوداگی و هوش هیجانی و معنوی و عزت نفس دانش آموزان و بررسی تاثیر این موارد بر پیشرفت تحصیلی

مرتضی مرادی پر¹، نادر حسین زاده²، دریا حق پرست³، واحد باقری⁴

¹مدیر آموزگار مدرسه ایثار خلیان منطقه ی صومای برادوست ارومیه hamedazizi13779809@gmail.com

²آموزگار ابتدایی منطقه صومای برادوست ارومیه hamedazizi13779809@gmail.com

³مدیر آموزگار مدرسه تربیتی قصریک منطقه صومای برادوست ارومیه hamedazizi13779809@gmail.com

⁴مدیر مستقل مدرسه علامه طباطبایی یچجیک منطقه صومای برادوست ارومیه hamedazizi13779809@gmail.com

چکیده

هوش هیجانی موجب بهبودی روابط اجتماعی و کنترل عواطف و احساسات میگردد.. هوش هیجانی آخرین تحول در درک رابطه میان تفکر و عاطفه است. هوش فرهنگی واقعیت‌های عملی را تصدیق میکند و بر زمینه های بین فرهنگی تمرکز مینماید و واژه هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید جذاب و بحث برانگیزی است که دربر تو و علاقه جهانی محققان صاحب نظران و بهویژه روان شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است از سوی دیگر، هوش هیجانی موجب بهبودی روابط اجتماعی و کنترل عواطف و احساسات میگردد. این تصور وجود دارد که هر دانش آموزی باتوجه به شخصیت خود و تمایلات و علاقه مندی و خصوصیاتش ، دارای برخی نگرش ها می باشد در صورتی که نگرش تحصیلی از دیدگاه علم روان شناسی ، اجتماعی و جامعه شناسی علاوه بر فردی بودنش دارای بعد اجتماعی گسترده از جمله محیط ، اطرافیان ، پدر و مادر و معلم سایر افراد گروه هایی که دانش آموز با آن ها به نحوی برخورد دارند که در ایجاد و پرورش و تحکیم نگرش های مثبت یا منفی به رشته تحصیلی وی مؤثرند. عزت نفس را میتوان براساس میزان ارتباط بین خودواقعی و خود ارمانی تعریف نمود.فاصله بین خود واقعی و خود ارمانی هر چقدر کمتر باشد فرد از عزت نفس بالاتری برخوردار است و هر چقدر فاصله بین این دو بیشتر باشد میزان عزت نفس پایین تر خواهد بود رابسون عزت نفس را عبادت میداند از حس رضامندی خویشتن پذیری که از ارزیابی شخص درباره ی ارزشمندی قدرت و منزلت وجذابیتشایستگی و کفایت و توانایی برای ارضای تمایلات و خواسته های خود منتج می شود.عزت نفس، احساس ارزش، درجه تصویب تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خویشتن احساس می کند

واژه های کلیدی

هوش هیجانی، هوش معنوی، عزت نفس، دانش آموز

متن مقاله

هوش را فقط به صورت غیرمستقیم، با مطالعه و مقایسه اعمال هوشمندانه افراد می‌توانیم ارزیابی کنیم (سانتراک، ۲۰۰۳). یکی از عوامل مهمی که موجب تفاوت‌هایی در تعریف هوش و نحوه طوری که آمرام (۲۰۰۹) رابطه‌ای ن‌معنویت، هدف، رضایت از زندگی، سلامتی و بهزیستی ارائه می‌دهد. بحث‌های اخیر درباره این موضوع حیطه‌های جدیدی از تحلیل را ایجاد کرده‌است. قابلیت‌هایی که می‌تواند دیدگاه جدیدی را در مورد بهزیستی افراد ارائه کند، حائز اهمیت است، به آنچه که همه این رویکردهای جدید نشان می‌دهند این است که معنویت یک جزء ضروری (رکن اساسی) انسان بودن است و تمایل انسانها به یافتن معنایی در این واقعیت که فناپذیر هستند، در ساختارهای آناتومیک مغز آنها ریشه دارد. یک فرض زیربنایی برای این دیدگاه‌های ارگانیک این ایده است که معنویت تجربه‌ای جهانی است با وجود آن که اعمال و آیین‌های مذهبی و دیدگاهها نسبت به خدا ممکن است در بین فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد (لیچ و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از ضیغمی، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد که ماهیت مؤلفه‌ها و نحوه ابراز هوش معنوی نیز تحت تأثیر عوامل فرهنگی باشند. با توجه به تفاوت‌های افراد در ویژگی‌های شخصیتی، علایق معنوی، زمینه‌ها و اعمال معنوی (مذهبی)، مهارت‌ها و ظرفیت‌های وابسته به هوش نیز به نظر متفاوت می‌رسند. این در حالی است که هوش معنوی ممکن است به عنوان یک ویژگی آشکار و بارز جهانی دیده شود که به‌طور بالقوه در همه گروه‌های مذهبی نمایان می‌شود، این احتمال وجود دارد که معنا و نحوه ابراز آن در بین گروه‌ها و بافت‌های مذهبی و معنوی مختلف متفاوت باشند (ایمونز، ۱۹۹۹). تیسدل (۲۰۰۳) ادعا می‌کند معنویت بخش مهمی از فرایند معنادار ساختن به‌طور بلافصل در زمینه و متن فرهنگ نمود می‌یابد. تیسدل یک محیط اجتماعی آموزشی را می‌سازد که هم تفاوت‌های فرهنگی و هم تجربه بشری در آن به عنوان یک تلاش معنوی مرتبط برای ما با ساختارهای اخلاقی و قضاوت‌های معنوی است (به نقل از هاوارد و وایت، ۲۰۰۹). توصیف جدید علمی و کارآمد مغز به‌صورت سه نوع ساختار معمول عینی، ذهنی، عاطفی و معنوی است. وقتی با مغز خود فکر می‌کنیم تفکر ما فقط مربوط به مغز و بهره هوش کلاسیک نمی‌شود، بلکه احساسات جسم یعنی هوش عاطفی و هم‌چنین معنویات، ارزشها، امیدها و پیوستگی حس معناداری و ارزش یعنی هوش معنوی، را شامل می‌شود. هوش معنوی به‌معنای داشتن جهت در زندگی، توانایی بهبود بخشیدن به تمام خشونت‌ها و تنفرهاست. یعنی درباره وجود خودمان به‌عنوان بیانی واقعی‌تر تفکر کنیم (سلمن ۲ و همکاران ۲۰۰۵) همانگونه که هوش هیجانی مثل هیجان نیست، هوش معنوی هم مثل معنویت نیست هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند دانش آموزان به عنوان منابع معنوی جامعه و آینده سازان کشور، نیروهای برگزیده از نظر استعداد، خلاقیت و پشتکار هستند و لازمه پیشرفت تحصیلی و زندگی موفقیت آمیز آنان بر خورداری از آرامش و امنیت خاطر در کلیه ابعاد است. به عبارتی، جامعه و به طور ویژه مدرسه، نسبت به سرنوشت، رشد و تکامل موفقیت آمیز و جایگاه فرد در جامعه، مسئول است. یکی از ملاک‌های کارایی نظام آموزشی در مدرسه میزان پیشرفت تحصیلی و افت تحصیلی می باشد. مساله موفقیت یا فقدان موفقیت در امر تحصیل از مهم ترین دغدغه های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع می باشد، به طوریکه موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه اهداف آموزشی میباشد (صفری، ۱۳۹۳). که این مهم نشان از اهمیت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در روند توسعه کشورها دارد. بنابراین، عوامل درون و برون فردی می توانند بر روی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیرگذار باشند. یکی از عوامل درون فردی، هوش می باشد. هوش یکی از مهمترین تفاوت‌های فردی در بین افراد جامعه است و این امر از سالها پیش مورد توجه آدمی بوده است. هر چند که این

مطالعات بیشتر بر جنبه شناختی هوش، همانند حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید داشته‌اند اما امروزه محققان بر جنبه های غیرشناختی هوش همچون هیجان، اجتماعی و معنویت توجه بیشتری دارند. به عبارتی این جنبه ها می توانند موفقیت افراد را در زندگی پیش بینی کنند (مومنی، ۱۳۹۲). آمرام (۲۰۰۹) معتقد است که هوش معنوی شامل حس معنا، هدف و تقدس در زندگی و خوش بینی نسبت به بهبود شرایط دنیاست. فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای الهام و شهود، دیدگاه کل به جهان هستی است که در جستجوی پاسخ برای پرسشهای بنیادی زندگی و نقد سنتها و آداب و رسوم است که این مهم می تواند بر روی شادکامی افراد نیز تأثیرگذار باشد به نظر می رسد پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دارای یک رابطه متقابل می باشد یعنی از طرفی داشتن عزت نفس موجب پیشرفت تحصیلی می شود زیرا که خودباوری و تلقی مثبت از خویشتن در یادگیری و ایجاد نگرش برای تحصیل اثر می گذارد و موجب پیشرفت تحصیلی می شود از طرف دیگر موفقیت تحصیلی و رسیدن به مدارج بالا در کار آموزش موجب ارتقای عزت نفس می شود. به طور کلی پیشرفت های انسان در هر زمینه ای و تجربه ی موفقیت احساس خودباوری و ازشمندی و توانمندی در هر مورد باعث افزایش عزت نفس می شود. ویلیام جیمز اظهار می دارد که هر چند مفهوم خود و عزت نفس بسیار شبیه به هم هستند اما عزت نفس اشاره به به سطوح ارزشمندی دارد که فرد برای خود قایل است و به معنی درک و دریافت جایگاه و منزلت خود می باشد جیمز در اواخر 1880 مطرح نمود که عزت نفس را میتوان براساس میزان ارتباط بین خودواقعی و خود آرمانی تعریف نمود. فاصله بین خود واقعی و خود آرمانی هر چقدر کمتر باشد فرد از عزت نفس بالاتری برخوردار است و هر چقدر فاصله بین این دو بیشتر باشد میزان عزت نفس پایین تر خواهد بود رابسون عزت نفس را عبادت میدانند از حس رضامندی خویشتن پذیری که از ارزیابی شخص درباره ی ارزشمندی قدرت و منزلت وجدابیتشایستگی و کفایت و توانایی برای ارضای تمایلات و خواسته های خود منتج می شود. عزت نفس، احساس ارزش، درجه تصویب تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خویشتن احساس می کند (شاملو، 1372). وقتی سخن از عزت نفس به میان می آید ارزش شخصی یا احساسی که از فرد در نظر اعضای گروه مجسم می شود مطرح می گردد. یکی از پیچیده ترین و ناراحت کننده ترین مسائل شخصیتی عقده حقارت است. کودکانی که احساس بی لیاقتی و عقب ماندگی می کنند کمتر برای موفقیت و انجام دادن کارها به تلاش و کوشش دست می زنند. رشد سالم شخصیت ایجاب می کند که شخص نه فقط برای شناخت خود، بلکه بیشتر برای پذیرش خود فعالیت کند پژوهش های ارزشمندی درباره ی ارتباط خودشناسی فرد در رابطه با رشد سالم و سازگاری های شخصیتی افراد انجام گرفته و نتایج مثبت و سودمندی به بار آورده است (پارسا، 1376) در زمینه رابطه بین احساس ارزشمندی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی، نظر مربیان و اساتید و متخصصان تعلیم و تربیت بر این است که عوامل روحی و روانی تأثیر بسیار بالایی در موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد پژوهش های زیادی در زمینه پی بردن به رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است. گسترده ترین این تحقیقات پژوهشی است که به وسیله گیل دات انجام شده نتایج تحقیق مؤید رابطه بالا بین انگیزه پیشرفت و عزت نفس است. داشتن عزت نفس برای یک زندگی موفقیت آمیز لازم است بنابراین باید به تقویت آن در بین دانش آموزان پرداخت. از آنجا که عزت نفس کودک زمینه و اساس ادراکات وی از تجارب زندگی را مهیا نماید، امری ارزشمند محسوب می گردد شایستگی عاطفی- اجتماعی که از چنین شناخت مثبت از خود ناشی می شود، می تواند به عنوان نیرویی در مقابل مشکلات جدی آینده به کودک کمک کند. عزت نفس جنبه مهمی از عملکرد و کشش کلی کودک است و به نظرمی رسد به صورت تعاملی با زمینه های دیگری از جمله سلامت روانی و عملکرد تحصیلی ارتباط دارد به این معنی که عزت نفس می تواند علت و هم معلول نوعی از عملکرد باشد که در سایر حوزه ها رخ می دهد (پپ و همکاران، 1988). در بحث از اهمیت و ضرورت موضوع می توان به آیات قرآن و احادیث مراجعه نمود. خداوند در سوره فاطر آیه ده می فرماید: « هر که طالب عزت است بداند که تحکم و عزت خاص خدا است، کلمه نیکوی توحید و (روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد». و در سوره منافقون آیه هشتم آمده است که: «عزت خاص خدا و رسول و مؤمنین است». پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است: «زندگی که در آن انسان زبردست و خوار باشد مردن از آن بهتر است و مردنی که با پیروزی مقرون باشد، صدهزار بار بر زندگی ذلت بار ترجیح دارد». همچنین پیامبر گرامی می فرمایند: کسی که نفس خود را شناخت به یقین خدا را شناخته است حضرت علی (ع) می فرمایند: خویشتن شناسی سودمندترین دانش هاست. این تصور وجود دارد که هر دانش آموزی باتوجه به شخصیت خود و تمایلات و علاقه مندی و خصوصیاتش، دارای برخی نگرش ها می باشد در صورتی که نگرش تحصیلی از دیدگاه علم روان شناسی، اجتماعی و جامعه شناسی علاوه بر فردی بودنش دارای بعد اجتماعی گسترده از جمله محیط، اطرافیان، پدر و مادر و معلم سایر افراد گروه هایی که دانش آموز با آن ها به نحوی برخورد دارند که در ایجاد و پرورش و تحکیم نگرش های مثبت یا منفی به رشته

تحصیلی وی مؤثرند. (بسانت، ۱۹۹۵). زندگی بشر در عصر حاضر، بیش از هر دوره دیگر با پدیده فرهنگ نسبت دارد. فرهنگ هر ملتی، نشانه هویت و استقلال آن ملت است. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه حیات و قدرت یک جامعه است و ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. تعلیم و تربیت انسان ها و به تبع آن برنامه های درسی، برای ایجاد تغییر و تحول در انسان ها به کار گرفته می شوند، هیچ نظام تربیتی را نمی توان یافت که برای تربیت انسان ها کوشش کند ولی جهت گیری مشخص در این کار نداشته باشد. به همین دلیل کار تعلیم و تربیت در بین همه امور زندگی، حساسیت و اهمیت خاص می یابد و پرداختن به آن یک اقدام زیر بنایی و مهم تلقی می شود. در تفکر راجع به ماهیت و مبنای تعلیم و تربیت، مقولاتی خود را نشان میدهند که نمی توان از کنار آنها به سادگی گذشت. یکی از این مقولات: «فرهنگ» می باشد (زاد عبدالله و عزیزی، ۱۳۹۲) به گفته برونر (۱۹۹۶) بهبود اثر بخش و مستمر آموزش و غنی سازی یادگیری، جز با فهم ما از چگونگی آموزش و یادگیری در موقعیت های فرهنگی، فراهم نمی شود. آموزش و یادگیری در فرآیندی از مناسبات اجتماعی پیچیده، که تجلی باورها، ارزش ها، نگرش ها و کیفیت رفتار انسان ها است، شکل می گیرد. با وجود بنیادهای نظری مشترک در نظریه های آموزش و یادگیری، بسیاری از برنامه های آموزشی و درسی در جهان، مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه های غالب در هر جامعه می گیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آن ها به بار می نشینند. بنابراین لازم است میزان اثر بخشی نظریه های آموزش و یادگیری را در بستر فرهنگی هر جامعه مورد مطالعه قرار داد و میزان کارآمدی آن ها را با توجه به ویژگی ها و شاخص های فرهنگی آموزش و یادگیری آن مورد بررسی قرار داد (سرکار آرانی، ۱۳۸۹) آموزش و پرورش در هر جامعه ای از مجموعه باورها، سبک های زندگی، اعتقادات، آداب و رسوم، پیش فرض های ذهنی و مناسبات فکری و رفتاری آن جامعه نشأت گرفته است و بر آن ها تاثیر می گذارد. روش سازماندهی کلاس درس، الگوهای رفتاری معلم، برنامه های درسی، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، محتوای کتاب های درسی، ابزارها و روش های آموزش سبک های یادگیری، راههای پرورش و بازبینی اندیشه ها و باز اندیشی عمل تربیتی و باورها و انتظاراتی که دانش آموزان و معلمان درباره نقش و هدف هایشان از فعالیت های تربیتی و فرآیند آموزش و یادگیری دارند، جلوه های ارتباط آموزش، یادگیری و برنامه درسی را با فرهنگ نشان می دهد (سر کار آرانی، ۱۳۸۹) آموزش و پرورش حلقه و زنجیره متصل کننده تجربیات بشری در اعصار گوناگون بوده است. آموزش و پرورش به حق یکی از بزرگ ترین و پیچیده ترین نظام های اجتماعی محسوب می شود، سازمانی که از دیر باز نقشی سازنده در بقاء و تداوم فرهنگ و تمدن بشری داشته و امروز نیز سنگ بنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه ای است موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بیانگر نظام آموزشی کارآمد و موفق است که توسعه ای پایدار از نتایج حتمی چنین نظامی خواهد بود. زیرا آموزش و پرورش از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور به شمار می رود و امروزه نقش آن در بهبود شرایط زندگی افراد و جامعه بر همگان آشکار است. همچنین جامعه در گذر از جامعه سنتی به مدرن نیاز به نیروهای کارآمد از هردو جنس دارد در هر جامعه فلسفه ای اجتماعی خاصی حاکم بر آداب و رسوم، افکار و عقاید و عادات و تمایلات مردم آن جامعه است. بنابراین بررسی جنبه های فرهنگی هر جامعه ضروری است. (شریعتمداری، ۱۱، ۱۳۸۰) این مقاله به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و با لحاظ کردن مسائل و نیازها به ارائه راهکارهای جدید می پردازد فرهنگ و عناصر آن: عقاید و باورها، نگرش ها، علائق و گرایش ها رفتارها و آداب شخصی آیین و رسوم اجتماعی اگر مصداقی از این پنج عنوان در جامعه رواج پیدا کرد، می توان آن را جزئی اساسی از فرهنگ یک جامعه نامید و عنصری از عناصر فرهنگی آن جامعه قلمداد کرد. امور دیگری نیز ممکن است در جامعه رواج پیدا کرده و فراگیر شوند، اما آنها را جزء فرهنگ آن جامعه به حساب نمی آوریم، قانون یکی از این موارد است. قانون معمولاً یک حکم فراگیر است که در جهت اصلاح و تنظیم رفتار جامعه، وضع شده است. هر چند قانون امری فراگیر است که تأثیرات گسترده ای بر رفتار فردی و اجتماعی همه افراد جامعه می گذارد، ولی جزئی از فرهنگ جامعه نیست. خارج کردن برخی موارد رواج یافته در جامعه از ذیل مفهوم فرهنگ، بدین معنی نیست که این امور با فرهنگ جامعه ارتباطی نداشته باشند. بلکه این امور، هم از فرهنگ جامعه متأثر می شوند و هم بر فرهنگ جامعه اثر می گذارند (پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی، ۱۳۹۱) زندگی در مدارس و کلاس ها، جلوه ای از اجتماع گسترده بوده و از آن جدا نیست، فرهنگ نمی تواند در سطح مدرسه باقی بماند. مشخصه و پویایی زندگی مدرسه، به وسیله ارزش ها که خود از طریق وجوه دیگری از زندگی ملی شکل می گیرند، تجسم می یابد. فرهنگ در یک تحلیل و فهم تطبیقی، مسلماً همه چیز نظام های آموزشی است. بسیاری از پژوهشگران، ادعای تاثیر فرهنگ بر پیشرفت های تحصیلی کودکان و برنامه های درسی را تایید می کنند. همچنین افراد اندکی وجود دارند که تاثیر عوامل فرهنگی را بر آموزش نادیده انگارند. هم چنین تعداد بسیار کمی نیز هستند که به نحو دقیق به ما بگویند که این

عوامل چه هستند. به سختی ما می توانیم این عوامل را از یکدیگر مجزا سازیم و در بهترین حالت، این موضوع بدون پشتوانه کافی بوده و لذا برای همگان آسان تر است که به صورت کلی از این موضوع یاد کنند (بری، ۲۰۱۰). خانواده اولین و مهمترین مکانی است که کودک در آن زندگی کرده و تربیت میشود. خانواده یکی از عوامل محیطی مهم و موثر در انگیزه پیشرفت است. روش تربیتی، نگرش و انتظارات، ارزشها، سطح تحصیلات، شغل و در آمد یا موقعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده و ... ارتباط تنگاتنگی با انگیزه پیشرفت افراد دارد. مطالعات متعدد نیز، بیانگر آن هستند که انگیزه پیشرفت یادگیرندگان در محیط با انتظارات والدین آنان ارتباط مستقیم دارد. والدین دانشآموزانی که از انگیزه پیشرفت خوبی برخوردارند، به تعامل کلامی با فرزندانشان اهمیت بیشتر میدهند. این والدین از فرزندان خود سوالهای تفکربرانگیز پرسیده و آنان را برای درست سخن گفتن بر می انگیزانند. خانواده هایی که فرزندان موفق در جامعه دارند، از انگیزه پیشرفت و وضع تحصیلی و تربیتی آنان آگاه هستند. وجود روحیه تلاشگری در خانواده نیز بر میزان کوشش یادگیرنده برای دستیابی به هدفهای مختلف می افزاید (اسکات 2022). نوع نگرش خانواده به نتیجه کار هم بر انگیزه افراد برای پیشرفت اثر میگذارد. خانوادههایی که موفقیت را حاصل کار و کوشش خود میدانند، در زمینه اثرگذاری بر انگیزه پیشرفت فرزندان خود در محیط، در مقایسه با خانوادههایی که موفقیت را به شانس و اقبال نسبت میدهند؛ موفقتر عمل می کنند. والدینی که بر نحوه دوستیابی فرزندان، میزان ساعتی که برای تماشای تلویزیون اختصاص میدهند و نوع فعالیتهای فوق برنامه آنان نظارت میکنند، بر روی فرزندان خود کنترل بیشتری دارند. والدین برای این که تاثیر بیشتری بر فرزندانشان بگذارند، لازم است جدول زمانی از نوع فعالیتهای ترجیحی و تکالیف درسی آنان تنظیم کنند. در این صورت خانواده میتواند با توجه به امکانات موجود، نوع گرایشات فرزندان خود را تغییر دهد یا در بهینهسازی رفتار آنها دخالت موثری داشته باشد. (Scott, 2006). در زمینههای آموزشی نقش خودکارآمدی ادراک شده دانشآموزان، اغلب بهعنوان یک متغیر انگیزشی میانجی در فرآیندهای شناختی مرتبط با یادگیری و دیگر پدیدههای عاطفی و انگیزشی مطرح بوده است و به نظر میرسد که از یک سو تحت تاثیر ساختارهای کلاسی و آموزشی است و از سوی دیگر پدیدههای عاطفی و انگیزشی مطرح بوده است و به نظر میرسد که از یک سو به پدیدههای آموزشی است. (بهارانی 2012). پژوهش های انجام شده در زمینه تاثیر شرایط خانوادگی و فردی بر رفتار تحصیلی دانش آموزان، فاقد انسجام و تمرکز کامل بر روی این شرایط بوده است. یعنی هر پژوهش به تاثیر جنبه ای از جنبه های متعدد شرایط خانوادگی و فردی پرداخته است. این عامل پژوهشگر را بر آن داشت تا با نگاهی جامع تر بر روی شرایط خانوادگی و فردی تاثیر این شرایط را بر روی رفتار تحصیلی که شاخصه آن انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شده است، بررسی نموده و با ارائه الگویی نشان دهد که کدام یک از این شرایط به صورت مستقیم و کدام یک به صورت غیرمستقیم و با چه میزان تاثیری بر روی این رفتارهای تحصیلی اثر دارند و کدام یک از شرایط بی تاثیر هستند. بنابراین هدف اصلی در این پژوهش ارائه مدل علی برای تبیین انگیزه تحصیلی دانشآموزان بر اساس عوامل خانوادگی (ادراک از رفتار والدین، کارایی خانواده) با واسطهگری عوامل عوامل فردی (خودکارآمدی، خودتنظیمی) میباشد.

نتیجه گیری

به باور بروئر (۱۹۹۶) آموزش و پرورش یک جزیره نیست، بلکه بخشی از قاره ی فرهنگ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که یادگیری، پیشرفت تحصیلی و به طور کلی تعلیم و تربیت و برنامه درسی یک جامعه تحت تاثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی آن جامعه قرار دارند. بنابراین، آموزش، یادگیری و برنامه های درسی همواره در موقعیت های فرهنگی تحت تاثیر عقاید و باورها، نگرش ها، علائق و گرایش ها، رفتارها و آیین و رسوم اجتماعی حاکم بر جامعه قرار دارند و از چنین عناصری تاثیر می پذیرند مدارس به عنوان مکانی برای ایجاد ارتباطات انسانی عمیق در نظر گرفته می شوند، دانش آموزان انگیزه پیدا می کنند تا بهترین انسان هایی باشند که می توانند. چگونه عقاید، نگرش ها، گرایشات و ... در بین خانواده ها، نظام آموزشی و مدارس (مانند سطح سواد والدین یا تفکر نژاد پرستی و ...) می تواند تاثیرات قابل توجهی در برنامه های درسی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایجاد کند. والدین اولین الگوها و سرمشقهای کودکان هستند و به دلیل ویژگیهای تقلیدپذیری کودکان، قسمت اعظم یادگیری آنان از طریق مشاهده رفتار والدین صورت میگیرد. ماتینز معتقد است که والدین خودتنظیمگر میتوانند از

طریق فراهم کردن تسهیلات لازم برای یادگیری (از قبیل تخصیص زمان مناسب برای مطالعه، تهیه مکان مناسب و منابع مورد نیاز جهت مطالعه) و نشان دادن (الگو یا مدل) چگونگی و چرایی استفاده از راهبردهای خودمهارگری در موقعیتهای عینی فرزندان را در تنظیمگری و خودکنترلی و در نهایت عملکرد تحصیلی یاری رسانند. دانش آموزانی در مدارس دیده می شوند که خودپنداره پایینی دارند که این خودپنداره پایین در اثر شکست های مکرر آن ها می باشد. این دانش آموزان اغلب شکست های خود را به عدم توانایی نسبت می دهند و سرانجام به درماندگی آموخته شده مبتلا می شوند. بنابراین نظام آموزشی باید به گونه ای برنامه ریزی گردد تا دانش آموزان شکست های خود را به جای این که به عدم توانایی نسبت دهند به عدم کوشش نسبت دهند. امروزه باورهای خودکارآمدی به عنوان یکی از مهم ترین و اصلی ترین عوامل در تبیین رفتارهای انسانی محسوب می شود. نقش باورهای خودکارآمدی در عملکرد انسان این است که سطح انگیزه، شرایط مطلوب و اعمال افراد را بیش تر بر پایه آن چه که آن ها اعتقاد دارند، قرار می دهد تا آن چه که واقعاً درست است؛ به همین خاطر چگونگی رفتار انسان می تواند به وسیله باورهایی که در مورد توانایی هایشان دارند بهتر پیش بینی بشود تا به وسیله آن چه که واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند. بنابراین باورهای خودکارآمدی به ما کمک می کند که تعیین کنیم افراد با دانش و مهارت هایی که دارند چه کارهایی را می توانند انجام دهند. در بیش تر تحقیقات مشاهده شده است که باورهای خودکارآمدی افراد بیش از سایر متغیرهای انگیزشی نظیر خودپنداره یا عزت نفس و حتی در مواردی بیش از متغیرهایی مثل توانایی یا استعداد می تواند پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی باشد. در نتیجه این تأثیرات، باورهای خودکارآمدی و تعیین کننده ها، پیش بینی کننده های قوی سطح عملکرد ما هستند. بندورا معتقد است که باورهای خودکارآمدی بر میزان سعی و کوششی که فرد در یک فعالیت از خود نشان می دهد و مدتی که فرد می تواند در برابر کارها و تکالیف مشکل استقامت و پایداری نشان دهد، تأثیر می گذارد. گلن معتقد است هوش هیجانی میتواند علت این تفاوتها باشد. یکی از ایراداتی که میتوان از نظام آموزشی ما گرفت این است که صرفاً بر توانایی تحصیلی تأکید میشود و ابعاد دیگری از هوش مانند هوش هیجانی، هوش معنوی، هوش فرهنگی و... نادیده گرفته میشود در حالیکه به نظر میرسد ابعاد مختلف هوش در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقش دارد. هوش هیجانی آخرین تحول در درک رابطه میان تفکر و عاطفه است. هوش فرهنگی واقعیتهای عملی را تصدیق میکند و بر زمینه های بین فرهنگی تمرکز مینماید و واژه هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید جذاب و بحث برانگیزی است که دربر تو و علاقه جهانی محققان صاحب نظران و بهویژه روان شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است از سوی دیگر، هوش هیجانی موجب بهبود روابط اجتماعی و کنترل عواطف و احساسات میگردد. بدین ترتیب فرد بهسوی کمال حرکت میکند. از نظر جامعه شناسان یک پدیده زمانی به مسئله اجتماعی تبدیل می شود که بخش وسیعی از افراد جامعه را دربر گیرد و اکثر افراد از آن رنج ببرند. امروزه ناسازگاری، بی مسئولیتی، عدم رعایت هنجارهای اجتماعی، همکاری و مشارکت جوانان از جمله نگرانی های عمده ای است که در محافل مختلف علمی مورد بحث قرار گرفته است که همایش های مختلف آسیب شناسی جوانان نمونه ای از آن است. عدم سازگاری جوانان ناشی از جامعه پذیری ناقص و عدم رشد اجتماعی کافی آنهاست که موجب شده است افراد نتوانند قواعد رفتارهای اجتماعی را فرا گیرند. از طرف دیگر دلیل پرخاشگری های دانش آموزان، عدم شرکت آنها در کارهای گروهی و عدم رعایت هنجارها توسط آنها را که یک معضل عمده در جامعه است می توان توأم نبودن رشد جسمانی آنها با رشد عاطفی و اجتماعی دانست. کارهای فردی (علمی، هنری، ورزشی و غیره) در ایران بهتر از کارهای گروهی نتیجه می دهند و این امر در سال های اخیر به اثبات رسیده است.

منابع

ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات تهران، چاپ ششم.

- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوازدهم.
- شریعتمداری، علی، (۱۳۸۰)، رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، انتشارات سمت، تهران
- علوی تبار، علی‌رضا، (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری کشور، چاپ اول
- کانت، امانوئل، (۱۳۶۳)، تعلیم و تربیت، ترجمه غلام حسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- گروه مشاوران یونسکو، (۱۳۸۲)، فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ دوازدهم
- اکبری، فریدون، آینده شغلی. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- ابراهیم یقوام، صغری و حسینزاده، غلامحسین، نظریه یادگیری محور کاربرد آن در آموزش. مجله پژوهشی- آموزشی اطلاع رسانی، ۱۳۸۷.
- بحرینی بروجنی، مجید؛ میر شاه جعفری، ابراهیم و لیاقتدار، محمد جواد، بررسی میزان رعایت اول علمی تدوین محتوا در درس تفکر و پژوهش پایه پنجم راهنمایی، مجله رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان. سال نهم، شماره ۲، صص ۲۶۱، ۱۳۹۳.
- Robinson, p. (1981), Perspectives on the Sociology of Education; London:
Rutledge and kegan Pual
- Iborzi, Mahboobeh(2012).Test the mediating role of beliefs, attribution for the perception of children from parents and academic achievement of students of elementary.The journal of methods and models of psychological.(9)2, 1-15.
- Aunola, K, Viljaranta, J., Lehtinen, E., & Nurmi, J. E. (2013). The role of maternal support of competence, autonomy and relatedness in children's interests and mastery orientation. Learning and Individual Differences. 25, 171-177.
- Bandura, Albert(1997). Self-Efficacy: The Exercise of Control. New York, NY, USA:W
- Carnes-Holt, Kara(2004). Child-parent relationship therapy for adoptive families. The Family Journal 20.4: 419-426.
- Controversial children. Child Development, 66 ,754-763.
- Deci , E. L., & Ryan, R. M. (Eds)(2002). Handbook of self-determination research. Rochester, NY: University of Rochester Press.
- Mohammadifar ,mohammadali(2018).The effect of predict the persuasiveness of the self-efficacy,and school on test anxiety: Examine the mediating role of procrastination academic.Journal of teaching and larning(Social sciences and humanities, Shiraz university). 2(9),122-145.
-). [Different children who cannot ۲۰۱۰ c,ocuklar.(۱)Erden, M., Okula uyum saglayamayan farkl adapt to school]. Ankara, Turkey: Arkadas, YaSInlar.
- Grolnick, W.S., Carolyn, C.O., Kurowski, O., Dunlap, K.G. and Hevey, C.(2000). "Parental Resources and the Transition to Junior High". Journal of reseach on Adolescence, 10(4), 465- 488.
- Ginsburg, G. S., & Bronstein, P. (1993). Family factors related to children's intrinsic/extrinsic motivational orientation and academic performance. Child development, 64(5), 1461-1474.



www.spconf.ir

هشتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت و اقتصاد در علوم انسانی

8th National Conference on
Management Studies and Economics in the Humanities